


طرح‌های سلوکی عارفان و علمای اخلاق سده اخیر حوزه علمیه قم

داود حسن‌زاده کریم‌آباد / استادیار گروه عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

hasanzadeh@iki.ac.ir

 orcid.org/0009-0005-3943-2913



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

چکیده

یکی از موضوعات مهم در سیر و سلوک و اخلاق با رویکرد عرفانی بیان نظام‌های منسجم، مترابط و مترتبی است که عارفان از منازل و مقامات سلوک ارائه داده‌اند و از آن به «طرح‌های سلوکی» یاد می‌شود. پیشرفت‌های حوزه علمیه قم در یک سده اخیر شامل این ساحت از اخلاق و عرفان نیز بوده و عارفان و عالمان وارسته اخلاق طرح‌های سلوکی متعددی عرضه کرده‌اند. این مقاله با روش کتابخانه‌ای داده‌های لازم از میان آثار مکتوب را گردآوری و سپس تحلیل و تبیین کرده است و با مفهوم‌شناسی واژگان مهم موضوع، مهم‌ترین طرح‌های سلوکی یکصد سال اخیر در حوزه علمیه قم را شناسایی و در این میان طرح سلوکی علامه مصطفوی را که کاملاً ابداعی است و طرح سلوکی آیت‌الله شجاعی را که متأثر از میراث عرفان اسلامی بوده، به اختصار گزارش کرده است.

کلیدواژه‌ها: سیر و سلوک، اخلاق، عرفان عملی، طرح سلوکی، علامه مصطفوی، آیت‌الله شجاعی.

حوزه علمیه قم طی یکصد سال اخیر بستر رشد علوم گوناگون اسلامی بوده و در این میان اخلاق الهی، سیر و سلوک معنوی و عرفان عملی نیز تعالی یافته است. کتاب‌هایی که در این باب و در این دوره توسط چهره‌های شاخص حوزه علمیه قم نگاشته شده است از نظر کم و کیف نسبت به قرون قبل‌تر تفاوت چشمگیری دارد.

اخلاق و عرفان شیعی، به‌ویژه در زمان آقامحمد بی‌آبادی (ف ۱۱۹۷ یا ۱۱۹۸ق) و بعد از آن در اصفهان، تهران و سپس در دو شهر مقدس نجف و قم رونق فراوانی داشته است. به‌ویژه در سده اخیر (از ۱۳۰۱ق تاکنون) بزرگان شیعه در حوزه علمیه قم کتاب‌های گوناگونی با رویکردهای متفاوت و بدیع در باب مذکور به نگارش درآورده‌اند. کتاب‌های بسیاری در اخلاق بر پایه آیات و روایات نوشته شده است که عموماً امروزه از آنها با عنوان «اخلاق مأثور» یا «اخلاق نقلی» یاد می‌شود. برخی نیز مباحث اخلاقی را با مایه‌های سیر و سلوکی و عرفانی همراه کرده‌اند و علاوه بر اینکه از آیات و روایات کمال بهره‌وری را داشته‌اند، کوشیده‌اند از مزایای موجود در علم عرفان عملی نیز در ارائه یک نظام اخلاقی و یا ترتیب‌بخشی به مباحث اخلاقی کمال استفاده را ببرند.

یکی از موضوعات قابل توجه که در برخی از این نگارش‌ها وجود دارد «طرح‌های سلوکی» است. بیشتر کتاب‌های اخلاقی که عموماً مأثور هم هستند، خالی از طرح سلوکی‌اند، اگرچه مباحث علمی آنها به‌گونه‌ای انتظام‌یافته است. منظم بودن مباحث علمی اخلاق در یک کتاب اخلاقی، غیر از بیان سیر عملی منظم منزل به منزل و مقام به مقام است؛ چنان‌که ترتب منازل و مقامات در این سیر عملی غیر از ترتیب مباحث علمی پیرامون آنهاست.

برای تبیین دقیق «طرح سلوکی» نیاز به مفهوم‌شناسی برخی مفاهیم پایه در این باره است. بدین‌منظور در آغاز، مفاهیم لازم در این بحث را به اختصار مطرح و سپس به تبیین طرح سلوکی و مباحث پیرامون آن و معرفی نمونه‌ای از این طرح‌ها که توسط بزرگان حوزه علمیه قم در سده اخیر ارائه شده است، می‌پردازیم.

۱. پیشینه بحث

در طول تاریخ اخلاق و عرفان اسلامی طرح‌های سلوکی گوناگونی از سوی عارفان نامدار و عالمان متخلق به یادگار مانده است که تنوع بسیاری دارد. این طرح‌ها مورد واکاوی بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته و آثار متعددی به وجود آورده‌اند. از جمله دو کتاب *سلوک اخلاقی* (غنی، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷)، یکی درباره طرح‌های روایی و دیگری طرح‌های عارفان و حکیمان نوشته محقق گرانقدر *امیر غنوی* مشتمل بر مباحث مهمی در این باره است.

یکصد سال اخیر نیز خالی از طرح‌های سلوکی و ارائه آن توسط عارفان و عالمان ربانی نبوده، ولی پژوهش‌های چندانی از سوی محققان در مورد آنها انجام نشده است.

در مورد عارفان سده اخیر کتاب‌های زیادی تألیف شده است، اما به مسئله ویژه طرح سلوکی آنان و مباحث پیرامون آن تا اندازه‌ای که نگارنده تحقیق نموده، پرداخته نشده و یا کار جامعی صورت نگرفته است. مثلاً در مورد

مرحوم ملکی تبریزی کتاب‌های مختلفی نوشته شده، اما هیچ کسی طرح سلوکی ایشان را که از مجموع کتب وی قابل استنباط است به دست نداده است. در مورد دو طرح سلوکی گزارش شده در این مقاله (طرح سلوکی علامه مصطفوی و آیت‌الله شجاعی) نیز تحقیق خاصی صورت نگرفته است. در مورد شخصیت امام خمینی^ع و عرفان عملی و نظری ایشان نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده، اما تا کنون کسی طرح سلوکی ایشان در *آداب الصلاة* را تبیین نکرده است؛ گو اینکه در مورد طرح اسفار اربعه ایشان کتب و مقالاتی وجود دارد، لیکن باز نسبتی میان این دو طرح و ارتباط آنها با مفاهیم بسیار اخلاقی و سلوکی در اندیشه امام^ع که در آثار ایشان موجود است کار جامعی صورت نگرفته است. در مورد دیگر بزرگانی که طرح سلوکی در آثارشان وجود دارد و پس از این به ذکر آنها خواهیم پرداخت نیز امر به همین شکل است. به‌طور کلی تاکنون تحقیق جامعی در مورد طرح‌های سلوکی سده اخیر حوزه صورت نگرفته است و البته این کاری شایسته و بایسته است.

۲. تبیین مفاهیم بحث

۲-۱. «اخلاق» و «علم اخلاق»

«اخلاق» جمع «خلق» و مقصود از آن «ملکه نفسانی»، «هیأت راسخ در نفس» و یا «حال نفس» است که به سهولت موجب صدور افعال از انسان می‌گردد، بی‌آنکه مسبوق به تفکر و تأمل باشد. بر این معنا از «اخلاق» و «خلق» تقریباً در فلسفه و عرفان اجماع وجود دارد.

ابن سینا «اخلاق» را چنین تعریف کرده است: «إن الخلق ملكة تصدر بها عن النفس أفعال ما بسهولة من غير تقدم رويّة» (ابن سینا، ۲۰۰۷، ص ۱۳۵).

ابن عربی در تعریف «اخلاق» چنین گفته است: «إن الخلق هو حال النفس، بها يفعل الإنسان أفعاله بلا رويّة و لا اختيار» (ابن عربی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۶).

عبدالرزاق کاشانی نیز «اخلاق» را با تفصیل بیشتر و با رویکردی عرفانی و البته در همین چارچوب چنین تعریف کرده است:

الأخلاق مواريث المعاملات؛ فإن الأخلاق ملكات في النفس تصدر معها الأفعال من النفس محمودة بلا رويّة. فإذا تكررت المعاملات القلبية مع الله بالتيات الصادقة، ظهرت من دوام تكررها هيأت راسخة في النفس، لتتورها بنور القلب و صفائه الحاصل ببركة المعاملات. فيسهل عليه بسبب تلك الهيأت صدور الفضائل والخيرات منها و سلوك الطريقة (كاشانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۷).

«خلق» انسان به دو دسته فضایل و رذایل تقسیم می‌شود. فضایل مایه کمال نفس و رذایل مایه نقص آن است. «علم اخلاق» دانشی است که درباره شناخت فضایل و رذایل، حدود و ثغور مفاهیم آنها، ترابط آنها با یکدیگر و آثار و نتایج تخلّق به آنها بحث می‌کند. در این علم همچنین از راهکارهای کسب فضایل و دفع و رفع رذایل، چه به صورت فردی و چه در حد جامعه بحث می‌شود. به عبارت دیگر، «علم اخلاق» همان شناخت فضایل و رذایل اخلاقی و چگونگی نهادینه کردن فضایل و یا زدودن رذایل است.

البته برخی شناخت فضایل و ردایل اخلاقی را «علم اخلاق» نامیده و چگونگی نهادینه کردن فضایل و یا زدودن ردایل اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی را در قالب علمی دیگر و با عنوان «تربیت اخلاقی» بهتر دانسته‌اند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹). با اکتفا به همین مقدار از بیان تعریف «علم اخلاق»، موضوع و غایت آن روشن می‌شود.

اما درباره روش این علم نیز گفتنی است که رویکردهای گوناگونی برای علم اخلاق برشمرده‌اند که این رویکردها روش پژوهش در این علم را معین می‌کنند. این رویکردها عبارتند از: فلسفی، عرفانی، نقلی و تلفیقی. در اخلاق فلسفی از روش «عقلی»، در اخلاق عرفانی از روش «کشفی - شهودی»، و در اخلاق نقلی یا ماثور از روش «نقلی» بهره گرفته می‌شود. در اخلاق تلفیقی، مجموع یا برخی از این روش‌ها به کار گرفته می‌شود (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

۲-۲. «سیر و سلوک»

۲-۲-۱. سیر

«سیر» را در لغت «اصل یدل علی مضي و جریان» (ابن فارس، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۲۰) و «المضي فی الأرض» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۲) دانسته‌اند. برخی گفته‌اند: این ماده در قرآن جز بر سیر مادی اطلاق نشده و اصل واحد در ماده آن «حرکت و ذهاب ظاهری و مادی» است؛ چنان‌که «سری» همان سیر مخفیانه و پوشیده بدون هیچ تظاهر، اعلان و جهر است، خواه مادی باشد و خواه معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۸۸ و ۱۱۵)، اما با حفظ روح معنای آن که همان حرکت و جریان است، در امور معنوی نیز استعمال می‌شود؛ چنان‌که طایفه عرفا آن را مصطلح کرده‌اند. برای سیر در صحف، عرفا تعریف‌های متعددی ذکر، و از مراتب، اقسام و انواع آن نیز یاد نموده‌اند. در اینجا تنها به بیان *سراج طوسی* از آن اکتفا می‌کنیم:

شیخ *سراج* در *اللمع* گفته است: این سخن گوینده که «ما مُسیرٌ هستیم»، مراد سیر دادن دل‌هاست و سیر دل‌ها به هنگام انتقال از حالی به حالی و از مقامی به مقام دیگر است.

قول القائل نحن مسیرون، یرید بذلك: تسییر القلوب، و سیرها عند انتقالها من حال إلی حال، و من مقام إلی مقام (سراج، ۱۹۱۴، ص ۳۶۵).

۲-۲-۲. «سلوک»

اصل ماده «سلک» را در لغت «نفوذ شیء فی شیء» (ابن فارس، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۹۷) دانسته‌اند و «سَلَكْتُ الطَّرِيقَ» یعنی: به راه افتادم و آن را پی‌بومدم. *راغب اصفهانی* نیز «سلوک» را «النفوذ فی الطریق» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۱) معنا نموده و برخی دیگر اصل واحد در ماده «سلک» را حرکت یا عمل بر خط معین و برنامه دقیق دانسته و همین قید را مایه فرق بین آن و سیر، حرکت، مشی، و ذهاب تلقی کرده‌اند. از این‌رو «سلوک» را همان مشی بر خط معین در حرکت یا عمل یا عقیده تعریف کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۸۳).

ابن عربی در وجه تسمیه «سلوک» دو معنای ریشه‌ای برای آن در نظر گرفته است:

۱. «سلوک» به معنای انتقال و پیمودن راه است، و این برابر همان معنایی است که میان اهل لغت مشهور است. وی از همین معنا در تعریف اصطلاحی «سلوک» بهره برده است (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۱).
۲. لفظ «سلوک» از «سِلک الالائی» مشتق شده است؛ یعنی رشته‌ای که مرواریدها را به طور منظم کنار هم قرار می‌دهد. در این صورت «سلوک» به معنای «انتظام» است (همان).

خواجه طوسی می‌گوید:

سببه نیست که هر کسی چون در خود و افعال خود نگرد خویشتن را به غیر خویش محتاج داند، و محتاج به غیر ناقص باشد به خود، و چون از نقص خود خبردار شود در باطن او شوقی که باعث او باشد بر طلب کمال پدید آید. پس به حرکتی محتاج شود در طلب کمال، و اهل طریقت این حرکت را «سلوک» خوانند (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۵).

با توجه به تعاریف این دو اصطلاح در عرفان اسلامی و اطلاقات گوناگونی که از آن شده است، به نظر می‌رسد حقیقت آن دو یک چیز بوده و تعاییر آنها تنها به حسب اعتبارات متفاوتی است که اهل معرفت آن را به دست داده‌اند؛ چنان که در موارد متعددی این دو واژه را معادل یکدیگر به کار برده و گاهی نیز از تفاوت میان آن دو یاد کرده‌اند (املی، ۱۳۶۷، ص ۲۶۸؛ حسینی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۵).

۳-۲. علم «عرفان عملی»

«عرفان عملی» دانشی است که متکفل تبیین مجموعه منازل و مقامات سلوک و ترتیب و ترتب میان آنها و بیان دستورالعمل‌هایی است که انجام آنها موجب وصول حقیقت انسان به منازل و مقامات و سرانجام به کمال نهایی می‌گردد. از کمال نهایی در عرفان با عناوینی همچون مقام «فنا و بقا»، «وصول به خدا»، «توحید»، «قرب به خدا» و مانند آن یاد می‌شود. سیر انسان در این منازل و مقامات تا وصول به حق تعالی حرکتی باطنی است، اگرچه اعضا و جوارح انسان نیز اشتغالات خاص خود را در انجام دستورالعمل‌ها دارد.

در این حرکت باطنی انسان حجاب‌های میان خود و حق تعالی را با اعمال و احوال قلبی، ریاضت‌ها و عشق‌ورزی‌ها کنار نهاده، در باطنی‌ترین ساحت هستی خود، با حق تعالی دیدار می‌کند. سیر و سلوک الی‌الله و سفر به سوی حق تعالی همین حرکت باطنی به سوی او و لقای او - جلّ و علا - است.

قابل ذکر است که برخی محققان غایت علم اخلاق را نیز «قرب الهی» قرار داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۳) و از این رو هر کار نیکی که به انگیزه قرب الهی انجام شود فضیلت، و آنچه مایه تقرب به خدا نیست - اگرچه حسن فعلی آن محرز باشد - ردیلت به حساب می‌آید. درواقع چنین فعالی مانع به کمال رسیدن انسان و حاجب او از قرب به خداوند - جلّ و علا - هستند (ر.ک: همان، ص ۳۵۵).

حال اگر غایت در اخلاق «قرب الهی» باشد و رویکرد عرفانی در آن لحاظ شود دیگر تفاوت چندانی میان «اخلاق عرفانی» و «عرفان عملی» یا همان «سیر و سلوک» نخواهد بود. البته اموری نظیر الهامات، واردات،

خواطر و راه‌های شناسایی انواع روش‌های نفی خواطر و مباحثی نظیر اینها در علم اخلاق مدنظر نیست، اگرچه رویکرد عرفانی به اخلاق می‌تواند راه این بحث‌ها را به نوعی در علم اخلاق نیز باز کند که در این صورت یک علم خواهند بود. اما دغدغه فضایل و رذایل و راهکارهای کسب آن یا رفع و دفع این، در علم اخلاق، این دانش را از عرفان عملی منحاژ می‌کند که تکیه اصلی در آن بیان منازل و مقامات سلوک است.

۳-۴. «طرح سلوکی»

«طرح سلوکی» منظومه‌ای منسجم از منازل و مقامات سیر و سلوک در ترابی با یکدیگر و ترتب بر هم به غایت وصول به حق تعالی است که سالک را از بدو تا ختم سلوک پله پله هدایت نموده، از اسباب و وسایط لازم برای سلوک و موانع راه و انحرافات محتمل در طریق آگاه می‌سازد.

روشن است که طریق سلوک به سوی حق و وصول به او، چیزی جز پیمودن صراط مستقیم نبوده و صراط مستقیم نیز جز شریعت حقه الهیه نیست. به عبارت دیگر، عمل به دستورات دینی برای وصول به حق تعالی کافی است. این همان چیزی است که در عرفان اسلامی از آن با عنوان «التزام به شریعت» یاد می‌شود و سر مویی تخطی از آن را موجب سقوط به وادی هلاکت و ضلالت می‌دانند (حسن‌زاده کریم‌آباد، ۱۴۰۰، ص ۳۷۸).

۳-۴-۱. طراح طرح‌های سلوکی

به راستی چه کسی شایستگی ارائه طرح سلوکی دارد؟ به نظر می‌رسد ارائه طرح‌های سلوکی که بخش معظم آن سیر در عوالم غیب و حقایق ماورایی است، جز از سوی کسی که خود راه را طی کرده باشد میسر نیست و این‌گونه نیست که کسی یا گروهی بحث‌های علمی و فنی فراوانی را - به‌ویژه حول کتاب و سنت - سامان دهند و در نتیجه به یک طرح سلوکی جامع و شامل و یا یک نظام جامع اخلاقی دست یابند.

ارائه طرح سلوکی از سوی کسی که خود راه را طی کرده نیز در صورتی که بخواهد آن را برابر آموزه‌های کتاب و سنت عرضه کند تخصص ویژه وی در استنباط معارف سلوکی و اخلاقی از کتاب و سنت را می‌طلبد و در صورتی که شخص واجد قوه اجتهاد و استنباط معارف از منابع اصیل آن نباشد - هرچند طرحی براساس سلوک خویش طراحی نماید - اما ادعای تطبیق آن بر کتاب و سنت جای تأمل دارد.

البته بررسی طرح سلوکی ارائه‌شده توسط یک عارف و عالم راه‌رفته و متخصص در این فن، توسط پژوهشگرانی که به فرض اهل سلوک نباشند، ممکن است و آنان می‌توانند به ارزیابی علمی طرح مزبور و تطبیق آن با آنچه در کتاب و سنت آمده است - بنا بر اینکه اجتهاد علمی در آن را دارند - بپردازند. شاید بتوان برای علم اخلاق، آن هم اخلاق فلسفی که روش آن «عقلی» است، طرحی بدیع سامان داد؛ اما درباره اخلاق با رویکرد عرفانی به این معنا که غایت آن وصول به حق تعالی و روش نیز «کشفی - شهودی» باشد، ارائه طرح سلوکی برای کسانی که صرفاً کار علمی می‌کنند - گرچه با نبوغ باشند - ممکن نیست. البته - چنان که گفته شد -

ارزیابی و بررسی طرح سلوکی ارائه شده توسط عارفان و تطبیق آن با معارف کلی برآمده از کتاب و سنت برای آنها مقدور خواهد بود.

این امر خطیر درخصوص اخلاق نقلی و مأثور نیز چنین است. به نظر می‌رسد طرح سلوکی برآمده از کتاب و سنت نیز تنها از عهده کسانی برمی‌آید که بیشترین شباهت را به صاحب وحی و امامان معصوم علیهم‌السلام داشته باشند و این امر خطیر از عهده فرد یا گروهی که تنها در کار علمی و پژوهش در حیطه علم حصولی واردند خارج است. به عبارت دیگر، این کار از عهده کسانی برمی‌آید که دستی بر آتش سلوک دارند و خود اهل کشف و شهودند؛ به‌ویژه اینکه در میان معارف دینی و اخلاق مأثور و نقلی، هم روش «عقلی» معهود و هم روش «شهودی» مورد تأیید بوده و از این روش‌ها نیز استفاده شده است. البته پذیرش این دیدگاه تفکیک رویکردهای چهارگانه اخلاق به «فلسفی»، «عرفانی»، «نقلی» و «تلفیقی» را دستخوش تغییر قرار می‌دهد.

۳. طرح‌های سلوکی سده اخیر

شاید استقصا و استیفای همه طرح‌های سلوکی ارائه‌شده در حوزه علمیه قم طی سده اخیر با توجه به اینکه شناسایی همه عالمان متخلق و عارفان نامور آن دشوار می‌نماید و در فرض شناسایی، دستیابی به کتاب‌های ایشان در این زمینه - که بسیاری از آنها هم چاپ نشده - ممکن نباشد. با این‌همه برخی از مهم‌ترین کارهای صورت گرفته در این زمینه را می‌توان برشمرد و عنایت ویژه و دغدغه‌خاطر علمای اعلام و عارفان نامی این دوره به موضوع اخلاق و سیر و سلوک معنوی را به رخ کشید و بدین‌وسیله توسعه و تعالی علمی و عملی اخلاق و معنویت را در این صدساله از عمر حوزه علمیه قم به تماشا نشست.

در ادامه فهرستی از برخی کتاب‌های مشتمل بر طرح‌های سلوکی عرضه می‌کنیم، سپس گزارشی کوتاه از دو نمونه از آنها - که یکی طرحی نو و قرآنی در این وادی است و از سنت عرفانی چندان تأثیر نپذیرفته و دیگری که کاملاً متأثر از سنت عرفانی و در عین حال بهره‌مند از آیات و روایات است - ارائه می‌نماییم:

۱. *رساله لقاءالله* و نامه عرفانی *آیت‌الله میرزا جوادآقا ملکی تبریزی* و نیز دو اثر دیگر ایشان به نام‌های *اسرار الصلوة* و *المراقبات* که مکمل طرح سلوکی ایشان در اثر نخست است. قابل ذکر است که بسیاری از اهل سلوک به آثار این عارف نامور تأسی کرده‌اند.

۲. *آداب الصلوة* امام خمینی علیه‌السلام که مراتب چهارگانه کلی سلوک را «علم»، «ایمان به حقایق»، «اطمینان» و «مشاهده» دانسته و مختصری درباره هر یک بیان کرده و وعده تفصیل برخی مباحث را طی کتاب مزبور داده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۰-۱۲). البته در آثار عرفانی و اخلاقی امام خمینی علیه‌السلام مطالب فراوانی را می‌توان حول این چهار مرتبه سامان داد. اسفار اربعه مطرح‌شده در *مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية* که خود طرحی نو و متفاوت از اسفار اربعه در اندیشه فیضری و *صدرالمآلهین* است طرح سلوکی کلی دیگری

است که امام خمینی علیه السلام بدان پرداخته است. اسفار اربعه در نظر امام خمینی علیه السلام عبارتند از: ۱. السفر من الخلق الى الحق المقيد (سفر از خلق به سوی حق مقید)؛ ۲. السفر من الحق المقيد الى الحق المطلق (سفر از حق مقید به سوی حق مطلق)؛ ۳. السفر من الحق الى الخلق الحق بالحق (سفر از حق به سوی خلق حق با وجود حقانی)؛ ۴. و السفر من الخلق الذي هو الحق الى الخلق بالحق (سفر از خلقی که حق است به سوی خلق با وجود حقانی) (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۸۸-۹۰).

۳. **لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب**، نوشته علامه سیدمحمدحسین طهرانی که تقریر دروس سیر و سلوک علامه سیدمحمدحسین طباطبائی است. طرح سلوکی ارائه شده در این کتاب تا حدی برگرفته از رساله سیر و سلوک علامه بحرالعلوم است. این کتاب به ضمیمه رساله الولایه طرح سلوکی خاصی به دست می دهد که علاوه بر شباهت ها با رساله مزبور، تفاوت های قابل توجهی نیز با آن دارد.

۴. **رساله لقاءالله** علامه حسن مصطفوی که گزارشی از آن بیان خواهد شد.

۵. **آیت الله حسین مظاهری**، از پرورش یافتگان مکتب اخلاقی عرفانی امام خمینی علیه السلام و علامه سیدمحمدحسین طباطبائی (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۸)، کتاب های متعددی در حوزه اخلاق و عرفان عملی نوشته است. کتاب ایشان که مشتمل بر طرح سلوکی است **سیر و سلوک** نام دارد.

سلوک از منظر ایشان سه سیر کلی دارد: «سیر من الخلق الى الحق»، «سیر من الحق [الى الحق] فی الحق» و «سیر من الحق الى الخلق». سیر نخست شامل هفت منزل است: یقطه، توبه، تقوا، تخلیه، تجلیه، تجلیه و لقاء که تاکنون شش جلد (تا منزل تخلیه) به چاپ رسیده است.

۶. **اخلاق الهی و نیز درآمدی بر سیر و سلوک**، نوشته آیت الله مجتبی تهرانى؛ ایشان در مباحث اخلاق از **جامع السعادات** مرحوم نراقی - البته با کمی تفاوت - (تهرانى، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۵، مقدمه سرپرست تحقیق) و در سیر و سلوک از طرح **خواجه نصیرالدین طوسی** در **اوصاف الأشراف** و نیز طرح **خواجه عبدالله انصاری** در **منازل السائرين** (تهرانى، ۱۳۷۸، ص ۱۰۶-۱۰۸؛ همو، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷، مقدمه سرپرست تحقیق) پیروی کرده است.

۷. **مراحل اخلاق در قرآن**، از مجموعه **تفسیر موضوعی قرآن**، نوشته آیت الله جوادی آملی که در آن از طرح **خواجه نصیرالدین طوسی** در **اوصاف الأشراف** استفاده شده و نیز اثر دیگر ایشان به نام **دانش و روش بندگی** که متفاوت، اما متأثر از همان طرح است.

۸. **کیمیای وصال**، نوشته آیت الله محمد شجاعی که گزارشی از آن در ادامه خواهد آمد.

۹. **سیر و سلوک**، طرحی **نور عرفان عملی شیعی**، نوشته آیت الله علی رضایی تهرانى؛ طرح سلوکی در این کتاب در برخی عناوین بی شباهت با دو رساله **سیر و سلوک** علامه بحرالعلوم و **لب اللباب** علامه طباطبائی نیست، اما تفاوت های مهمی نیز دارد که ادعا شده طرحی نو در این زمینه است.

در اینجا به گزارشی مختصر از طرح های سلوکی علامه مصطفوی و آیت الله شجاعی در میان کتب فوق بسنده می کنیم. در این گزارش تنها به بیان اصل طرح و نه مستندات آن اکتفا شده است؛ زیرا در صدد ارزیابی آنها نیستیم.

کتاب‌های این دو استاد مشحون از آیات و روایات و تحلیل‌های آنهاست و چون صرفاً برای آشنایی با شاکله طرح‌ها از آنها گزارشی ارائه می‌کنیم، از بیان مستندات آنها - حتی به اختصار - خودداری می‌کنیم. تنها در طرح نخست، آیتی را یاد کرده‌ایم که اصل طرح سلوکی برگرفته از آن و مشیر به مراحل سلوک تلقی شده است.

۳-۱. طرح سلوکی علامه مصطفوی

علامه حسن مصطفوی که خود از شاگردان سلوکی آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبائی بوده، طرحی سلوکی بر پایه آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در رساله لقاءالله ارائه کرده و از سایر آثار ایشان نیز مطالب سلوکی فراوانی قابل اصطیاد است که به‌گونه‌ای شارح طرح مزبور به شمار می‌رود. ایشان در این طرح از هیچ کس و هیچ طرح سلوکی دیگری متأثر نبوده است.

از منظر علامه مصطفوی سلوک از «تنبه» آغاز می‌شود و تا «لقای حق تعالی» به انجام می‌رسد. سلوک مابین این مبدأ و منتها به پنج مرحله کلی تقسیم می‌شود:

۱. توجه و اعتقاد پیدا کردن به مبدأ و رسول او و معاد؛
۲. برگشتن از راه‌های گوناگون (توبه) با اطاعت اوامر پروردگار متعال؛
۳. مهیا شدن با تهذیب و تحلیه نفس؛
۴. محو انانیت و حصول حالت فنا در مقابل عظمت حق؛
۵. مستعد شدن برای انجام وظایف الهی در اجتماع (مصطفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

این پنج مرحله برگرفته از دو آیه ذیل است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ... التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ لِلْأَمْرِ وَالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۱۱-۱۱۲). البته ایشان آیات آغازین سوره نازعات (آیات ۵-۱) را نیز اشاره به همین پنج مرحله دانسته است (مصطفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰-۱۰۱):

مرحله اول (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) اسلام و ایمان صادق است.
مرحله دوم (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ) توبه به ضمیمه عمل است.
مرحله سوم (الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ) مرتبه تزکیه قلب است؛ زیرا بعد از توبه و عمل و شروع به تزکیه و تهذیب باطن، قلب انسان روشن و منور گشته، با چشم دل نعمت‌ها و رحمت‌های الهی را در ظاهر و باطن می‌بیند و مشغول ستایش شده، سیر شروع می‌گردد. از این منظر، سیر باطنی از این مرحله آغاز می‌شود و معنای کلمه «سبح» سیر با تفکر و تدبیر و نظر است و آن قبل از تهذیب نفس واقع نمی‌شود.

مرحله چهارم (الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ) مقام خضوع کامل و فناست.

مرحله پنجم (الْأَمْرُونَ...) مقام انجام وظایف اجتماعی است.

چون این پنج مرحله با شرایط و خصوصیات به انجام رسید جمله «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» به نحو کامل و حقیقت مصداق پیدا می‌کند (همان، ص ۳۹).

سالک در مرحله نخست سه گام برمی‌دارد:

در گام نخست با تفکر در آفاق و انفس، می‌یابد که برای عالم آفریدگاری است که تحت حکم و تدبیر او به وجود آمده است. با این قدم، انسان از کفر و ضلالت نجات یافته، امید می‌رود با فراهم نمودن اسباب رسیدن به لقاء، توفیق بیشتری در ارتباط و قرب به پروردگار متعال پیدا کند.

در گام دوم چون خود را در ارتباط مستقیم با خداوند نمی‌بیند، درصد برمی‌آید کسی را پیدا کند که با خدا مرتبط است؛ یعنی کسی که واسطه ارتباط میان خالق و مخلوق بوده، برنامه خودسازی و ارتباط معنوی با خالق را بیان می‌کند و او جز نبی و خلیفه الهی نیست. با یافتن او برنامه سلوک تأمین می‌شود و می‌ماند تبعیت از او که باید با جدّ و جهد آن را دنبال کند.

در گام سوم باور به روز قیامت و لقاءالله تعالی، یعنی معاد قرار دارد. جوهر انسانیت روح ملکوتی اوست و حقیقت قیامت برگشتن روح از تعلق به بدن و مادیات به عالم غیرمادی و جانب خداوند متعال است.

این سه گام (شناخت خدا و خلیفه خدا و و تصدیق قیامت) پایه و اساس لقاءالله است؛ زیرا با این سه که اصول کلی دین هستند، دو حقیقت «اسلام» و «ایمان» بروز می‌یابد.

«اسلام» و «ایمان» مراتبی دارد که سالک با مراقبت بر اعمال صالح و تهذیب نفس و تحصیل معارف الهی سه مرحله «علم‌الیقین»، «عین‌الیقین» و «حق‌الیقین» را می‌پیماید (همان، ص ۱۹-۳۴).

مرحله دوم توبه نسبت به اعمال نامطلوب است. سالک در این مرحله که اجرای عملی برنامه‌هاست، سه جریان مهم را باید عملی سازد:

۱. تحقق حقیقت توبه؛

۲. پرهیز از محرمات؛

۳. انجام واجبات.

برنامه اطاعت در این مرحله شامل تمام ابواب فقهی (از عبادات و معاملات و سیاسات) می‌شود و سالک باید در همه این فروع و احکام با کمال صداقت و خلوص نیت و علاقه و معرفت عمل کند (همان، ص ۳۵-۵۰).

مرحله سوم اجرای برنامه‌های اصلاح نفس و تربیت و تزکیه آن است. تخلیه و تصفیه نفس از صفات برآمده از حب دنیا (رذایل) و نیز تخلیه و انصاف به صفات روحانی (فضایل) دو بخش مهم این مرحله هستند. سالک برای تصفیه قلب از رذایل، لازم است به چند برنامه متوسل شود:

۱. مبارزه با منشأ پیدایش این صفات که تعلق و محبت به زندگی دنیوی است.

۲. مقصد و هدف، یعنی وصول به لقای پروردگار را پیوسته در برابر چشم قرار دادن؛

۳. مبارزه با صفات ذمیمه و رذیله به وسیله اضداد آنها؛

۴. توسل به خداوند به وسیله اذکار، ادعیه، مناجات و توسل به بندگان محبوب و مقرب پروردگار و توسل به عبادات، مانند مراقبه در نماز.

با تطهیر باطن، سالک شروع به تخلیه و اتصاف به صفات روحانی می‌کند؛ زیرا با تطهیر باطن، سالک از مضیقه و محدودیت عالم مادی تخلص یافته، وارد جهان وسیع روشن روحانی می‌شود و مهیای شناخت معارف الهی و حقایق غیبی و جذبات روحانی می‌گردد (همان، ص ۵۱-۷۰).

در مرحله چهارم سالک هیچ کدورت و ظلمتی در قلب خود احساس نمی‌کند و سرشار از صفا و نورانیت و عشق به ملاً اعلام است. البته در این مرحله تعلق سالک به نفس خویش، خودنمایی می‌کند و این همان «حجاب اکبر» (انانیت) است که سالک باید با مجاهدت تمام بر آن فائق آید (همان، ص ۷۱).

علامه مصطفوی به تفصیل، کیفیت مجاهده و آثار و حالات برآمده از ظفر در این مرحله را ذکر کرده است. (همان، ص ۷۴-۸۱). ایشان برای دفع انانیت و حجاب بزرگ نفس، سه راه را به تفصیل مطرح کرده و توصیه نموده است که از هر سه راه استفاده شود:

راه نخست راه توجه قلبی به خداوند است و آن غیر از توجه عمومی است که سالک پیوسته در طی سلوک ملازم آن است. توجه قلبی مخصوص با انقطاع از سایر جوانب و با حضور قلب و خشوع محقق می‌شود که اگر با تمام شروط و خصوصیات آن صورت پذیرد به یکی از چهار نتیجه ذیل منتهی می‌گردد:

۱. نشان دادن حقیقت توحید ذاتی و شهود آن در حال توجه؛

۲. فهمانیدن حقیقت توحید صفاتی و شهود آن با توجه؛

۳. روشن کردن حقیقت توحید افعالی و شهود آن؛

۴. تفهیم حقیقت فنای نفس به هر نحو که مقتضی باشد (همان، ص ۷۴).

راه دوم راه تفکر و استدلال برای مبارزه با انانیت و حجاب بودن نفس است.

راه سوم معالجه با اضداد است. سالک با انهدام بت انانیت، پایه‌های شرک و خودپرستی و خودخواهی را منهدم ساخته، قدم در میدان نور و حقیقت توحید می‌گذارد (همان، ص ۸۱). در نهایت در این منزل همه حجاب‌های خارجی و داخلی سالک برطرف می‌شود و حالت فنای در نور عظمت حق تعالی به او دست می‌دهد و به چهار صفت «توکل»، «تفویض»، «رضا» و «تسلیم» متصف خواهد شد (همان، ص ۸۲-۸۴).

در مرحله پنجم به خاطر کمال صفا و خلوص و محو در نور پروردگار متعال، سالک نفوذ، سلطه و عظمت پیدا کرده، برای فعالیت و انجام وظایف الهی خالص، از روی معرفت کامل قدم برمی‌دارد. سالک در مرحله چهارم وارد ملکوت می‌گردد و در زمره فرشتگان قرار می‌گیرد و تا حجاب نفس کاملاً برطرف نشده در ملکوت سفلاست و پس از آن در ملکوت علیا واقع می‌شود. در مرحله پنجم سالک به عالم جبروت وارد می‌گردد که اعلاهی آن عالم اختصاص به انبیای الهی دارد و ادنای آن ویژه بندگان مخلص از غیر انبیاست (همان، ص ۹۴-۹۷).

۱-۳. چند نکته درباره طرح سلوکی علامه مصطفوی

علامه مصطفوی درباره طرح فوق مطالب کلی دیگری ذکر کرده که مایه تنظیم طرح است و ما در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. طرح سلوکی ارائه شده یک برنامه طبیعی و عمومی برای سالکان است. البته راه دیگری نیز هست که اختصاص به افراد ویژه‌ای دارد و آن راه «جذبه» است. ایشان سلوک از طریق «جذبه» را به دو صورت مطرح کرده است:

الف. افرادی که از لحاظ فطری با صفت صفا و محبت و طهارت آفریده شده‌اند، با تنبیه، تحریک و تفهیم حقیقت کمال و لقا و روحانیت و عالم نور، به سرعت متنبه شده، با علاقه و محبت شدید شروع به سیر می‌کنند و البته با اینکه سرعت سیر این افراد زیاد است، ولی خطرپذیری آنان نیز بسیار است و لازم است با کمال احتیاط و دقت سیر کنند و تحت مراقبت شدید باشند. به‌ویژه اگر نتوانند خود را محدود و منضبط کنند لازم است به «عالم متخصص عامل بصیر» مراجعه کنند و اگر چنین کسی را نیابند باید با توسل به حضرات معصوم علیهم‌السلام خطرات احتمالی را دفع نمایند. بزرگ‌ترین خطر این افراد خودبینی، خودنمایی و خودستایی است که همگی از آثار انانیت است (همان، ص ۱۰۶).

ب. افرادی که از لحاظ فطرت امتیاز برجسته‌ای ندارند، ولی برنامه سلوک آنها بر پایه محبت و جذب و توسل استوار است (یعنی همان برنامه پنج مرحله‌ای را با روح و نیروی محبت و عشق می‌پیمایند، نه با مجاهده و سیر طبیعی) این افراد عشق و محبت را با وسایل گوناگون (نظیر توجه، مناجات، توسل، دعا، اشعار مدیحه و غزل سنگین، مجالس انس و تذکر) تمرین و تحکیم و تشدید کرده، در سلوک خود توانا می‌شوند. چنین سلوکی نیز سرعت سیر دارد و اما خطرات راه در آن از دو طریق دیگر کمتر است (همان، ص ۱۰۸).

۲. اعتزال و کناره‌گیری در سه مرحله نخست از اوجب واجبات است.

۳. هر مرحله‌ای نیاز به تحصیل علوم مربوط به آن مرحله دارد و سالک قبل از هر مرحله باید با آنها آشنا باشد و در تحصیل آنها بکوشد.

۴. در هر مرتبه سابق، مراتب بعد از آن به نحو اجمال مندرج شده است و در هر مرتبه لاحق، مراتب گذشته به نحو تفصیل و مشروح موجود است. به تعبیر دیگر مراتب در سابق بالقوه، و در لاحق بالفعل متحقق است (همان، ص ۴۰).

۵. ذکرالله متن سلوک و حقیقت و ماهیت آن است. اگر یاد خدا در مقام فکر و اندیشه، در مقام عمل و حرکت، در مقام خود نفس و در مقام وظایف با مردم به درستی پیاده گردد تمام وظایف سلوکی به نحو کلی انجام شده است و مادام که سالک از یاد خدا غفلت بورزد در سیر متوقف می‌شود (همان، ص ۱۱۶-۱۱۸).

۶. درباره هریک از مفاهیم ادب، عجب، حلم، تفکر و تقوا - به تناسب مراحل پنجگانه - مطالبی هست که سالک باید آنها را به کار بندد (همان، ص ۱۱۸-۱۲۶).

۳-۲. طرح سلوکی آیت‌الله شجاعی

آیت‌الله محمد شجاعی که از شاگردان علامه طباطبائی به شمار می‌رود، طرح سلوکی خویش را در کتاب *کیمیای وصال* ارائه کرده و مجموعه مقالات ایشان که سه جلد و مشتمل بر مبانی نظری و طریق عملی تزکیه است، به نوعی تفصیل بخش‌های بسیاری از این طرح به شمار می‌رود. ایشان در این طرح - چنان‌که اشاره خواهد شد - متأثر از *خواجہ عبدالله انصاری* است؛ اما در تبیین منازل و مقامات به آیات و روایات فراوانی استناد کرده است. منازل و مقامات در طرح سلوکی ارائه‌شده توسط *آیت‌الله شجاعی* عبارتند از: یقظه، توبه، انابه، مراقبه، قصد، عزم، اراده، ادب، فقر و انس.

ایشان با اشاره به اختلاف عالمان سلوک و ارباب معرفت در باب نخستین منزل از منازل سلوکی، آغاز راه تزکیه و قدم اول در سلوک را «تنبه و بیداری» (یقظه) می‌داند. در منزل «یقظه» دل انسان به این معطوف می‌گردد که کیست؟ از کجاست؟ در کجاست؟ و به سوی کجاست؟ پاسخ درخور به این پرسش‌ها انسان را به حرکت صحیح به سوی حق تعالی و قرب و وصال او رهنمون می‌گردد. با بیداری، انسان سالک درمی‌یابد که تاکنون راه را به خطا رفته است و باید برگردد و مسیر صحیح کمال را بییماید و در نتیجه گام دوم سلوک خویش را با توبه برمی‌دارد (شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۵۹-۵۳).

«توبه» در معنای وسیع آن، بازگشت از همه اغیار به سوی حق تعالی است (همان، ص ۶۲). این معنا دارای مراتبی است؛ از جمله توبه از گناهان، توبه از تعلقات مباح و اشتغال به غیر خدا (دلبستگی‌ها، اسارت‌ها و محبت‌هایی که به غیر خدا دارد)، توبه از خود و توجه به خود که - درواقع - گذر از بزرگ‌ترین حجاب بین انسان و حق تعالی است (همان، ص ۶۴-۷۹).

آیت‌الله شجاعی با اشاره مجدد به اختلاف علمای سلوک درباره ترتیب منازل، منزل سوم را علی‌رغم اینکه برخی «مراقبه» و یا «محاسبه» دانسته‌اند، به تبع مرحوم *نراقی* «انابه» معرفی می‌کند (همان، ص ۸۱). ایشان «انابه» را به معنای «حالت انس و اطمینان با یاد و ذکر خدا و وحشت و فرار از غیر خدا» می‌داند (همان، ص ۸۲) انابه نیز دارای نشانه‌ها، آثار و مراتبی است.

پس از انابه منزل «مراقبه» است. «مراقبه» رکن اساسی در سلوک و امری دائمی است و گذر از هیچ مرحله‌ای از سلوک بدون آن امکان‌پذیر نیست (همان، ص ۹۱-۹۲). در منزل «مراقبه» سالک مراقب رفتار و گفتار و حتی اندیشه‌های خویش است و می‌کوشد همه اعمال او در ظاهر و باطن با اراده و مشیت الهی مطابق و مرضی او باشد. مراقبه نیز دارای مراتبی است:

۱. مراقبت در انجام فرمان‌های الهی؛

۲. مراقبت از معرفت حضور حق تعالی؛

۳. مراقبت از شهود اسما و صفات حق تعالی در جلوه‌ها (همان، ص ۹۲-۹۷).

آیت الله شجاعی «مراقبه» را عنوانی کلی و دربرگیرنده چهار اصل می‌داند که بدون رعایت این اصول مراقبه حقیقی تحقق نمی‌یابد و آنها را «ارکان مراقبه» می‌نامد: ۱. مشارطه؛ ۲. مراقبه؛ ۳. محاسبه؛ ۴. معاتبه و معاقبه (همان، ص ۱۰۰).

«مراقبه» دومین رکن حقیقی است که با آن سالک بقای بر شرط (یعنی تعهد به طاعت الهی و جلب رضایت او) را می‌یابد تا نفس غفلت نکند و پیمان خود را نشکند. «مراقبه» در این معنا - به نوعی - اخص از آن عنوان کلی است که سه مرتبه برای آن برشمرده شده است. ذکر حق تعالی با همه مراتبی که دارد، در مراقبه جلوه می‌کند (همان، ص ۱۰۸-۱۲۸).

منزل بعد از مراقبه، «قصد» است که برگرفته از دیدگاه *خواجه عبدالله انصاری* است و *مرحوم نراقی* از آن به عنوان «نیت» و برخی دیگر «اراده» یاد کرده‌اند (همان، ص ۱۲۹). قصد و نیت روح عمل است و ارزش هر عملی بدان وابسته است. سالک در مراقبه به قصد و انگیزه‌ای قوی نیازمند است تا بتواند علاقه‌ها، آرزوها و دلبستگی‌های خود را کنار بزند و از همه اغیار دل برکند. در نتیجه صبر و استقامت در این قصد، در باطن سالک نوری پدید می‌آید که به سبب تابش آن، هر حالتی از او حرکت به سوی حق و بندگی او به شمار می‌رود (همان، ص ۱۲۹-۱۳۰).

ایشان مراتبی را که خواجه برای «قصد» برشمرده شرح کرده است:

۱. خلاصی از تردید و شک؛
 ۲. پدید آمدن اراده و همتی قوی در سالک؛
 ۳. خواهان تسلیم در برابر حق تعالی بودن (همان، ص ۱۳۵-۱۴۲).
- پس از قصد، سالک نیازمند «عزم» در طلب حق تعالی است؛ زیرا قصد بدون عزم بر ترک اغیار امری بیهوده و نشانه صادق نبودن در ادعای طلب معرفت و لقای حق تعالی است. «عزم» همان اراده‌ای است که در پی قصد شدت یافته، انسان را به عمل وامی‌دارد (همان، ص ۱۴۳). ایشان بر پایه اندیشه *خواجه عبدالله انصاری* سه مرتبه برای «عزم» برشمرده و هریک را شرح داده است:

۱. انس با یاد حق و بی‌توجهی به حال خود؛
۲. غفلت نکردن از حقایقی که بر او کشف می‌شود؛
۳. عزم بر ترک عزم (همان، ص ۱۴۷-۱۵۲).

منزل هفتم «اراده» است. اراده یکی از اصول سلوک است و مراقبه با چهار اصل خود، بدون آن امکان‌پذیر نیست (همان، ص ۱۵۳). در اهمیت اراده همین بس که انسان مخلوق و ساخته اراده خویش است. ایشان به معانی گوناگون اراده در فلسفه و عرفان اشاره کرده و آنها را قریب الافق دانسته است. ایشان می‌گوید:

«اراده» در اصطلاح سلوک بدین معناست که سالک باید بخواهد تا از دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌ها منقطع شود و از عادت‌ها و آنچه به آن خو کرده و جدا شدن از آن بر وی دشوار است، رهایی یابد و هر مانع را از سر راه خویش کنار زند (همان، ص ۱۵۴).

ایشان با اشاره به تعریف *خواجه عبدالله/انصاری* از اراده «الإرادة... هی الإجابة لدواعی الحقیقة طوعاً» (انصاری هروی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۳)، سه مرتبه اراده در بیان ایشان را به تفصیل شرح می‌دهد:

۱. ترک عادت‌ها با بهره‌مندی از انقباض سالکان راه حق (با محبت اولیای حق که نشانه حب الهی است و پرهیز از اهل غفلت)؛

۲. بریدن از تعلقات بالاتر و سیر قلب در حالت قبض و بسط؛

۳. بریدن از خود و استقامت بر آن (شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶-۱۷۴).

منزل هشتم «ادب» است؛ یعنی ادب در مراقبه، و این نیز از مسائل اساسی سلوک است (همان، ص ۱۷۵). ایشان با اشاره به «ادب ظاهری» (حفظ اعضا و جوارح از گناه) و «ادب باطنی» (طهارت قلب) و ارائه تعریف *خواجه عبدالله/انصاری* از آن «الأدب حفظ الحدّ بین الغلو و الجفاء، بمعرفة ضرر العدوان» (انصاری هروی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۴)، به شرح مراتب سه‌گانه آن در بیان *خواجه* پرداخته است:

۱. خوف را از کشیده شدن به سوی ناامیدی بازداشتن و بر اینکه نگذارد امید تا ساحت امن پیش رود و نشاط به مرز جرئت و گستاخی برسد.

۲. خروج از خوف و رفتن به میدان قبض و اوج گرفتن از منزل رجا به ساحت بسط و فرارفتن از حال سرور به فراز مشاهده؛

۳. معرفت ادب و سپس بی‌نیازی از تأدب و رعایت ادب به تأدیب حق تعالی و سرانجام، خلاصی از شهود دشواری‌های ادب (همان، ص ۱۷۶-۲۰۰).

منزل نهم «فقر» است و آن مهم‌ترین اثر مراقبه است. فقر حقیقت وجود سالک است و تا چشم دل سالک بر حقیقت وجود خود باز نشود از توجه به خود منصرف نخواهد شد و بدون انصراف از خود هرگز به معرفت حق تعالی نخواهد رسید (همان، ص ۲۰۳).

«فقر» در اصطلاح سلوک به معنای «برائت و انقطاع و بی‌نیازی از غیر خدا» است (همان، ص ۲۰۸). «غیر خدا» در این تعریف شامل عبادات و طاعات انسان و مجاهدت‌ها و تلاش‌های او و همچنین حالات و مقامات و منازل می‌شود، اگر برای انسان تکیه‌گاه و دارایی به شمار آیند (همان، ص ۲۰۹).

ایشان با تبیین اقسام فقرا، فقر مذموم و ممدوح را از میان آنها بازشناسی می‌کند. چهار قسم فقرا عبارتند از: ۱. فقیر حریص؛ ۲. فقیر قانع؛ ۳. فقیر زاهد؛ ۴. فقیر مستغنی راضی.

«فقیر زاهد» خود به اعتبار مراتب زهد به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. زاهد خائف؛ ۲. زاهد راجی؛ ۳. زاهد عارف.

«زاهدان عارف» کسانی هستند که گریزان بودن آنها از امکانات مادی، نه از ترس عذاب و نه به طمع بهشت، بلکه هراس آنها از این است که مبادا امکانات مادی بین ایشان و حق تعالی سد شود (همان، ص ۲۰۴-۲۰۵).
در حقیقت، فکر و قلب زاهد به وحشت توجه دارد و این وحشت، خود نوعی اشتغال شمرده می‌شود که در مرتبه خود، او را از یاد حق تعالی بازمی‌دارد (همان، ص ۲۰۶).

«فقیران مستغنی راضی» نیز کسانی هستند که مانند فقرای زاهد به داشتن امکانات مادی علاقه‌ای ندارند، جز آنکه داشتن امکانات در آنها هراسی ایجاد نمی‌کند؛ یعنی اساساً داشتن یا نداشتن امکانات برای آنها یکسان است. به گفته علمای سلوک، اینان همچون کسانی هستند که از نعمت هوا به اندازه نیاز بهره‌مند می‌شوند و زیادی نعمت آنها را به اسراف در بهره‌مندی سوق نمی‌دهد؛ چنان‌که ائمه اطهار علیهم‌السلام این‌گونه بودند و بودن و نبودن امکانات مادی برای آنها تفاوتی نداشت و حالت استغنا و بی‌نیازی داشته و به خواست و اراده پروردگار درباره خود راضی و تسلیم بودند (همان، ص ۲۰۶).

ایشان براساس تعریف «فقر» و مراتب آن در بیان *خواجه عبدالله انصاری* نیز به بسط کلام در این باره پرداخته است: «الفقر اسم للبراءة من رؤیة الملكة» (انصاری هروی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۷). مراتب فقر از نظر *خواجه عباتند* از:

۱. «فقر زهاد» که سالک از دنیا و هرچه در آن است دست می‌کشد و زبان به مدح و ذم دنیا نمی‌گشاید و قلباً در پی دنیا یا ترک آن نیست؛

۲. ندیدن اعمال و حالات معنوی خود و چشم دوختن بر فضل پروردگار؛

۳. اضطراب حقیقی و حبس شدن در انقطاع از غیر خدا (شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹-۲۲۰).

منزل دهم «انس» است. انس با خدا، با تفکر، ریاضت و کثرت ذکر حق تحصیل می‌شود و خود دارای مراتبی است. تحصیل انس با خدا به میزان انسی که انسان با غیر خدا دارد بستگی دارد. هرچه انس انسان با غیر حق بیشتر باشد مجاهدت‌های فراوان‌تری برای انس با حق تعالی نیاز دارد (همان، ص ۲۲۹).

مداومت بر مراقبت (تا آنجا که لحظه‌ای از یاد حق تعالی غافل نشود)، چشم به عنایت حق داشتن و توسل به معصومان علیهم‌السلام در تحصیل انس دخیل تمام دارد (همان، ص ۲۳۱).

ایشان مراتب انس را نیز با توجه به بیان *خواجه عبدالله انصاری* شرح داده است:

۱. شرینی ذکر در دل و کامل‌تر شدن ادراکات؛

۲. انس به نور کشف که موج فنا آن را درهم می‌شکند؛

۳. فنای سالک و شهود وجه حق تعالی (همان، ص ۲۳۹-۲۶۲).

۱-۲-۳. چند نکته درباره طرح سلوکی آیت‌الله شجاعی

۱. با توجه به اینکه منازل سائرین در نظر *خواجه عبدالله انصاری* صد تاست و در ضمن ده قسم بدایات، ابواب، معاملات، اخلاق، اصول، اودیه، احوال، ولایات، حقایق و نهایات گرد آمده، در طرح سلوکی آیت‌الله شجاعی منازل «یقلظه»، «توبه» و «انابه» - به ترتیب - منازل اول، دوم و چهارم در طرح *خواجه* و متعلق به قسم بدایات آن است.

«مراقبه» منزل ۲۲ و متعلق به قسم معاملات است و باقی منازل همگی از قسم اصول برگرفته شده است. «قصده» منزل ۴۱، «عزم» منزل ۴۲، «اراده» منزل ۴۳، «ادب» منزل ۴۴، «فقر» منزل ۴۸ و «انس» منزل ۴۶ از *منازل السائرین* خواجه است.

۲. مراتب و مراحل سلوک با «فنا» در منزل «انس» پایان پذیرفته و دیگر سخنی از بقای بعد از فنا ذکر نشده است (همان، ص ۲۵۹).

۳. بر توسل به معصومان علیهم‌السلام در تمام منازل ده‌گانه تأکید شده است (همان، ص ۱۷۴).

۴. ایشان با اشاره به آیات «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) و «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) گفته است:

اختلاف در ترتیب منازل سلوک در بیان علمای تزکیه، به معنای گوناگونی راه سلوک نیست، بلکه راه رسیدن به معرفت حق تعالی و دیدار او تنها یک راه معین بوده و غیرقابل تغییر است (همان، ص ۸۱).

۵. ایشان علت اختلاف نظر ارباب معرفت در این باب را این می‌داند که برخی از عارفان بعضی از گام‌ها را مرحله‌ای مستقل نمی‌دانند و تنها آنها را مقدمه‌ای برای گام بعدی می‌شمارند و همین سبب می‌شود تا در تعداد منازل و یا ترتیب آنها تفاوتی به وجود آید، در حالی که در اصل مسیر تغییری حاصل نمی‌شود (همان، ص ۸۱-۸۲).

نتیجه‌گیری

طرح‌های سلوکی متعددی در میان متون اخلاقی عرفانی عارفان و عالمان وارسته علم اخلاق حوزه علمیه قم در یکصد سال اخیر وجود دارد که تنوع آنها نشان می‌دهد در متن شریعت طرح سلوکی خاصی به صراحت ذکر نشده است. در عین حال، همگی اذعان دارند که همه اجزای یک طرح سلوکی باید منطبق بر شریعت حق باشد. از سوی دیگر بسیاری از ایشان چون متعرض طرح‌های سلوکی یکدیگر در جهت نفی نشده‌اند، بلکه گاهی جهاتی برای توجیه تنوع طرح‌ها نیز ذکر کرده‌اند، تنوع در آنها را نیز طبیعی قلمداد کرده‌اند.

ارائه طرح سلوکی الزاماً باید از سوی عارفان و عالمان اخلاقی صورت پذیرد که خود اهل این مسیر هستند، اما بررسی و ارزیابی علمی و تطابق آنها با شریعت را می‌توان به کمک فرهیختگان عرصه اجتهاد و استنباط معارف حق به انجام رسانید.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۲۰۰۷م، *رسالة احوال النفس*، مقدمه و تحقیق از فواد اهوانی، پاریس، دار بیبلیون.
- ابن عربی، محیی الدین، ۱۴۲۱ق، *مجموعه رسائل ابن عربی*، بیروت، دار المحجّة البيضاء.
- _____، بی تا، *الفتوحات المکیه*، بیروت، دار صادر.
- ابن فارس، احمد بن، ۱۴۲۰ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، چ دوم، بیروت، دار الجیل.
- آملی، سیدحیدر، ۱۳۶۷، *المقدمات من کتاب نص النصوص*، چ دوم، تهران، توس.
- انصاری هروی، عبدالله، ۱۴۱۷ق، *منازل الساترین*، تهران، دار العلم.
- تهرانی، مجتبی، ۱۳۷۸، *درآمدی بر سیر و سلوک*، تدوین زیر نظر علی اکبر رشاد، چ سوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۵، *اخلاق الهی*، ج ۱ (درآمدی بر اخلاق و مباحث خرد)، تدوین و تحریر محمدرضا جباران، چ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، *کتابشناخت اخلاق اسلامی: گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *مراحل اخلاق در قرآن* (تفسیر موضوعی قرآن)، چ سوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۴، *دانش و روش بندگی*، قم، اسراء.
- حسن زاده کریم آباد، داود، ۱۴۰۰، *نزدیک ترین راه عملی وصول به عوالم غیب از دیدگاه عرفان اسلامی*، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
- حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، *رساله لب الالباب در سیر و سلوک اولی الالباب*، چ نهم، قم، علامه طباطبائی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم.
- رضایی تهرانی، علی، ۱۳۹۲، *سیر و سلوک، طرحی نو در عرفان عملی شیعی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سراج، ابونصر عبدالله بن علی، ۱۹۱۴م، *المع فی التصوف*، تهران، جهان.
- شجاعی، محمد، ۱۳۹۰، *کیمیای وصال*، چ سوم، تهران، سروش.
- شریفی، احمدحسین و همکاران، ۱۳۹۶، *اخلاق کاربردی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طوسی، نصیرالدین، ۱۳۷۳، *اوصاف الاشراف*، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غنوی، امیر، ۱۳۹۲، *سلوک اخلاقی (طرح های روایی)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۷، *سلوک اخلاقی (طرح های عارفان و حکیمان)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاشانی، ملاعبدالرزاق، ۱۳۸۵، *شرح منازل الساترین*، قم، بیدار.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____، ۱۳۸۲، *لقاء الله*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۸، *سیر و سلوک* (شرح منازل هفتگانه ج ۶-۱)، قم، مؤسسه مطالعاتی الزهراء.
- ملکی تبریزی، میرزاچواد، ۱۳۸۴، *اسرار الصلوة*، تحقیق محسن بیدارفر، چ دوم، قم، بیدار.
- _____، ۱۳۸۵، *لقاء الله*، چ هفتم، قم، آل علی.
- _____، ۱۴۱۶ق، *المراقبات*، قم، الاعتصام.
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۶، *مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية*، چ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۷۸، *آداب الصلاة*، چ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.